

این بار، امیدی در صندلی عقب خودرو نفس می‌کشید. اورژانس در نقطه‌ای مشخص از جاده منتظر بود. نوزاد با احتیاط و دقت تحویل تیم اورژانس شد. صدای ناله ضعیف او، مثل آوایی آرام، نوید زندگی می‌داد.

او می‌گوید: همه‌مون نفس راحت کشیدیم. کار کوچیکی بود از نظر فیزیکی، ولی از نظر انسانی... بزرگ‌ترین کاری بود که می‌توانستیم، انجام دهیم.»

امداد در جاده‌های برفی یعنی جنگیدن با زمان

قاسم صادقی می‌گوید: این تنها مورد امسال نبود همین زمستان، بچه‌ها ۵ یا ۶ عملیات مشابه داشتند. انتقال زن باردار، نوزاد، سالمند... بعضی جاها با قاطر یا حتی باکول کردن افراد آنها را نجات داده‌اند. شرایط امداد در ارتفاعات آذربایجان غربی بسیار خاص است. جاده‌ها خاکی و باریک، خودروها سنگین، هوا بی‌رحم و زمان، دشمن اصلی. امدادگراها با جان‌نشان بازی می‌کنند؛ در سرمایی که ماشین ممکن است یخ‌بزند یا چپ‌کند، آن‌ها تنها امید مردم‌اند.



با کودک دچار تشنج چه کنیم

اگر کودک دچار تب، تشنج یا استفراغ شد، چه کنیم؟-این حادثه، بار دیگر نیاز به آگاهی‌رسانی و آموزش عمومی را یادآور می‌شود. به‌خصوص در مناطق روستایی و با دسترسی محدود.

❑ چه زمانی با اورژانس تماس بگیریم؟

❑ تب بالاتر از ۳۸.۵ درجه، خصوصاً اگر پایین نیاید.

❑ تشنج یا لرزش بدن.

❑ استفراغ مداوم، یا همراه با تب.

❑ بی‌حالی و کاهش سطح هوشیاری.

❑ رنگ‌پریدگی، کبودی، یا تنفس دشوار.

❑ تا زمان رسیدن اورژانس چه کنیم؟

❑ نوزاد را گرم نگه دارید، نه داغ.

❑ از لباس زیاد یا پتوهای خفه‌کننده استفاده نکنید.

❑ اگر استفراغ دارد، به پهلو بخوابانید.

❑ بدون مشورت پزشک دارو ندهید، مگر شیاف تب‌بر ساده یا دوز مناسب.

❑ مراقب باشید کودک دچار کم‌آبی نشود.



امدادگران هلال احمر ناجی کودک ۷ ماهه شدند

آغوشی از امید در برف‌های کوهستان

[ملیحه محمودخواه] برف، سنگینی‌اش را به تمام کوهستان تحمیل کرده بود و کوهستان به‌نظر می‌رسید که در خوابی عمیق و بی‌صدا فرو رفته است. هر قدمی که روی برف‌های تازه گذاشته می‌شد، به‌نوعی ناله‌ای خاموش از دنیای یخ‌زده بلند می‌کرد. اما در دل این سکوت مهربار، فریادی دلخراش از خانه‌ای دور، در دل کوه‌ها، به گوش رسید. یک مادر، که قلبش در آغوشش بود، با صدای لرزان فریاد می‌زد: «کودکم تب دارد، تشنج کرده... نمی‌دانم چه کنم... راه بسته است!» این صدا، هرچند ضعیف و ناامید، تنها نوری بود که در این دنیای سرد و تاریک می‌درخشید. امیدی که برای نجات جان یک کودک، به دستانی نیرومند نیاز داشت.

از یک روستای دوردست در دل کوهستان، گوشی‌های

بی‌سیم تیم امدادونجات هلال احمر سلماس را لرزاند:

«یک نوزاد هفت ماهه دچار تب و لرز شدید شده... تشنج کرده... راه بسته است... کمک می‌خواهیم.»

او ادامه می‌دهد: ساعت حدود ۹:۲۵ صبح بود که با مرکز هلال احمر تماس گرفته شد؛ نه برای اعلام حادثه‌ای بزرگ یا ریزش کوه، بلکه برای نجات جان یک کودک که در میان سرمای کوهستان درگیر جنگی نابرابر با بیماری شده بود. این تماس، آغاز سفری شد که بیش از هر چیز، روایت امید، غیرت وفداکاری است.

یک جاده پرپیچ‌وخم

جاده‌ای که یخ زده بود، اما دل‌هایی که می‌سوخت. صادقی، روایت آن روز را چنین ادامه می‌دهد: «با اورژانس تماس گرفته بودند، ولی آمبولانس به خاطر بارندگی و گل‌گرفتگی فقط تابخشی از مسیررفته بود. از آنجا به بعد راه بسته بود... گفتند فقط شمامی توانید برسید... تیم امدادگر به سرعت راه افتاد. خودروی امدادی، مجهز به زنجیر چرخ، در دل مسیرهای باریک و لغزنده کوهستان به حرکت درآمد. جاده‌ها بی‌رمق و پر از پستی و بلندی بودند؛ برخی نقاط هنوز خیس از باران و برخی دیگر حالا با بارش برف، سفیدپوش شده بودند. او ادامه می‌دهد: وسط راه یک درخت شکسته بود، افتاده بود وسط جاده. بچه‌ها پیاده شدن، با دست و بیل و تیر مسیر رو باز کردن. حتی چند تا ماشین دیگه هم گیر کرده بودن؛ راه نبود.

فقط مامی توانستیم حرکت کنیم.

برف، دره و مرگ در چند قدمی

دمای هوا پایین‌تر می‌رفت. هر چه جلوتر می‌رفتند، برف ضخیم‌تر و راه باریک‌تر می‌شد. ارتفاع برف در برخی نقاط تا زانو می‌رسید. هر لحظه خطر لغزش و سقوط به دره‌کناری وجود داشت. او ادامه می‌دهد: در قسمت‌هایی از مسیر پستی و بلندی خیلی زیاد بود. سربالایی‌ها یخ زده بودند. جاده فقط جای عبور یک ماشین بود و یک سمتش هم دره... تمام حواسمان این بود به این بود که زودتر به بچه برسیم. پس از حدود سه ساعت عبور از مسیرهای پرخطر، تیم به روستای چهارستون رسید. خانه‌ای ساده، وکوچک. مادر جوانی با چشم‌هایی خسته اما پر از امید در آستانه خانه ایستاده بود. در آغوشش، نوزادی بی‌رمق، با گونه‌های گلگون از تب، بی‌حرکت به آسمان خیره مانده بود. تب بالایی داشت. مادرش با شیاف تب‌بر سعی کرده بود تب کودک را پایین بیاورد. ولی ترس از تشنج مجدد باعث شد تا درخواست انتقال به بیمارستان بدهند. دست‌های سرد امدادگر، با گرمی، کودک را آرام در پتو پیچید. مادرش را هم سوار کردند. سکوتی سنگین درون خودرو پیچیده بود؛ همه در انتظار بودند تا این کودک، این امید کوچک، چشمانش را به آرامی باز کند...

بازگشت به زندگی در مسیر برگشت

برف هنوز می‌بارید. اما چیزی در دل تیم فرق کرده بود.



حرکت کنیم. برخی از این عملیات‌ها ممکن است بیش از ۱۰ ساعت طول بکشد و ساعت‌ها در سرما و شرایط سخت در کوهستان‌ها بمانیم. این شرایط بسیار طاقت‌فرسا است.

آمادگی کامل امدادگران در برابر سخت‌ترین شرایط

رضایی همچنین در مورد آمادگی جسمی و روانی امدادگران در این عملیات‌ها توضیح می‌دهد: تمام نیروهای ما، اعم از داوطلب و شرکتی، باید از آمادگی بدنی و روانی کافی برخوردار باشند. در چنین شرایطی، توانایی تحمل شرایط سخت را داشته باشند، به‌ویژه در کوهستان‌ها، پیاده‌روی‌های طولانی و حمل افراد آسیب‌دیده به مراکز درمانی نیازمند قدرت بدنی و استقامت بالاست. به همین دلیل، تیم ما همواره تحت آموزش‌های مستمر قرار دارد و برای مواجهه با چنین شرایطی آماده است،» وی اضافه می‌کند: در فصل زمستان، این‌طور که می‌گویید، شرایط بسیار دشوارتر از همیشه می‌شود. برای مثال، در روز نوزدهم بهمن‌ماه گذشته، تیم ما در ۲۴ ساعت متوالی عملیات‌های مختلفی را انجام داد. در این مدت، امدادگران هیچ‌گونه استراحتی نداشتند و باید همچنان در سرما و برف به فعالیت‌های خود ادامه می‌دادند. این‌ها چالش‌هایی

محمد رضایی - مدیر امداد و نجات شهرستان سلماس در ادامه عملیات نجات کودک ۷ ماهه در منطقه کوهستانی سلماس درباره شرایط سخت امداد و نجات در مناطق کوهستانی، چالش‌ها و همکاری‌های مختلف بین تیم‌های امدادی و در خصوص شرایط کاری در این مناطق کوهستانی و بارش‌های شدید برف تأکید می‌کند: در چنین شرایطی، نیاز به آمادگی کامل تیم‌ها و همکاری‌های بین‌بخشی بیش از پیش احساس می‌شود. او با اشاره به شرایط خاص این منطقه می‌گوید: در شهرستان سلماس، به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، ما با جاده‌ها و مسیرهایی سروکار داریم که در فصل زمستان، به‌ویژه در مواقع بارش برف و یخبندان، بسیار خطرناک و دشوار می‌شود. این منطقه که مرزی است و به آذربایجان شرقی و ترکیه متصل می‌شود، همواره در فصل زمستان با بارش‌های سنگین برف مواجه است. حتی در بهار هم گاهی بارش‌های برف غافلگیرکننده‌ای داریم. وی در خصوص آمادگی نیروهای امدادی اضافه می‌کند: ما در شهرستان سلماس حدود ۳۰ نیروی امدادی داریم که به صورت ۲۴ ساعته آماده ارائه خدمات هستند. این نیروها شامل همکاران داوطلب و شرکتی می‌شود که با خودرو و آمبولانس‌های مجهز به مناطق مختلف از جمله مناطق کوهستانی و جاده‌های پرخطر اعزام می‌شوند. پایگاه امداد و نجات ما به‌ویژه در فصول سرد سال، در معرض بیشترین حوادث قرار دارد و توانسته‌ایم در این سال‌ها به تجارب زیادی در کمک‌رسانی به افراد در چنین شرایطی کسب کنیم.

اهمیت همکاری‌های بین‌بخشی

رضایی در ادامه بر اهمیت همکاری‌های بین‌بخشی در چنین عملیات‌هایی تأکید کرده و می‌گوید: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عملیات امدادی در این منطقه، همکاری‌های نزدیک ما با سایر دستگاه‌ها و نهادهای است. ما با مرکز فوریت‌های پزشکی، اداره راهداری، مدیریت بحران و حتی بخش‌های محلی همکاری نزدیکی داریم. به‌طور مثال، در مورد عملیات اخیر نجات کودک هفت‌ماهه، از همان لحظه‌ای که

هستند که تیم‌های امدادی در این منطقه با آن روبه‌رو هستند و نیازمند آمادگی بالا و همدلی همکاران است.»

گزارش از عملیات نجات کودک ۷ ماهه

رضایی در ادامه می‌گوید: در مورد حادثه اخیر نجات کودک هفت‌ماهه، ما حوالی ساعت ۹:۲۵ صبح از طریق تماس مردمی و گزارش شماره ۱۱۲ از وضعیت بحرانی کودک مطلع شدیم. مادر کودک که در آن زمان در منطقه‌ای کوهستانی و برفی در روستای نزدیک به مرز ترکیه گرفتار شده بود، از ما درخواست کمک کرد. کودک دچار تب بالا و تشنج شده بود و مادرش نگران وضعیت او بود. پس از اعزام تیم نجات، حدود سه ساعت تلاش بی‌وقفه برای عبور از مسیرهای سخت و مسدود شده، ما موفق به رساندن کودک به اورژانس شدیم و پس از آن او را به مرکز درمانی منتقل کردیم.»

آموزش و توانمندسازی امدادگران

رضایی در پایان اشاره می‌کند که برای نجات جان افراد در شرایط بحرانی، آموزش‌های دقیق و مستمر برای نیروهای امدادی بسیار مهم است. ما همواره در حال به‌روزرسانی آموزش‌های امدادگران هستیم. توانمندسازی نیروها در این منطقه ضروری است، چرا که شرایط جوی و جغرافیایی می‌تواند به سرعت تغییر کند و امدادگران باید قادر باشند در کوتاه‌ترین زمان ممکن به حادثه‌دیدگان کمک کنند. در این مناطق کوهستانی، حتی کار با آمبولانس و تجهیزات خاص نیز نیازمند مهارت و تجربه زیاد است.» رضایی با تأکید بر اهمیت همکاری‌های بین‌بخشی و آمادگی کامل نیروهای امدادی، خاطرنشان می‌کند: ما در شهرستان سلماس با همکاری نزدیک با سایر دستگاه‌ها و نهادهای تلاش می‌کنیم که در هر شرایطی جان انسان‌ها را نجات دهیم. شرایط کوهستانی سخت است، اما هیچ چیز نمی‌تواند مانع از انجام وظیفه‌مان شود. در نهایت، هدف ما تنها یک چیز است: نجات جان انسان‌ها، حتی در دشوارترین شرایط. این تنها یکی از تلاش‌ها و فداکاری امدادگران در مناطق کوهستانی و مرزی است. داستان‌هایی از این دست، گواهی بر ایثار و فداکاری نیروهای امدادی است که در دل برف و یخبندان، جان انسان‌ها را نجات می‌دهند.